که ملک مالک حقیقی نیست که جامع این صفات باشد بوجه کمال آن هیئت که از متعال و خداوند ذو الجلال
بی نیاز و خداوند بی نظیر و دانای بی همتا و دارای کامل چون مومن مواظبی داشت که ملک مطلق مالک بر حق اوست باطن و ظاهر
در هم شکند و بساط هوا و هوس بهم پیوسته لمانیت اسر جهد و دهن از تعلق کونین در چسبند قید اضافات و نسبت از پیش
برداره و مالک علی الاطلاق را ملک ملک مسلم دارد و مراد او را بر مراد خود تقدیم نماید و دعوی این شناخت از وی درست
آید بزرگی ذمه که هر آن مدعا آن باشد که متعلق ملک شیئیت حق است که او را بستی آن توانند بود که از تذلل کردن بر او و شیئیت
خود را بشکند و بهوس لذت و شهوت و امید و ترس و کوشش خود را از اوج عزت در حضیض ذلت نیفکند عزاهن منه بمت که با ما
بازی کند